

فرخنده باد هشتم مارس، روز همبستگی رزمجویانه زنان جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زن

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرارسیدن ۸ مارس، روز جهانی زن، روز تجدید عهد در راه مبارزه برای برابری حقوق زن و مرد و برای آزادی های فردی، اجتماعی و اقتصادی را به همه زنان مبارز

میهن تبریک می گوید.

ص ۳



شماره ۴۴۸، دوره هشتم
سال یازدهم، ۹ اسفند ۱۳۷۳

نماینده سازمان جوانان توده ایران در

۱۴- مین کنگره فدراسیون جهانی جوانان دموکرات



۱۴-مین کنگره فدراسیون جهانی جوانان دموکرات با شرکت نمایندگان سازمان های جوانان بیش از ۶۰ کشور جهان در شهر آنا در نزدیکی لیسبون پایتخت پرتغال برگزار گردید. در این نشست هیئت های نمایندگی از سازمان ها، فدراسیون های بین المللی، نماینده سازمان ملل متحد، سازمانهای منطقه ای و از جمله هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران نیز حضور داشتند. کنگره با مراسم مخصوص و با شکوهی در حضور نماینده سازمان ملل متحد، نماینده شورای جهانی صلح، نماینده سازمان منطقه ای جوانان آفریقا، نماینده جوانان کمونیست پرتغال، مسوول امور جوانان پارلمان پرتغال، شهردار شهر میزبان و نمایندگان کمیسیون های پنج گانه فدراسیون افتتاح گردید. صدر فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، رفیق ن. نایدو، که از اعضای رهبری جوانان کنگره ملی آفریقا نیز می باشد، در سخنرانی خود ضمن اشاره به تاریخ چندین دهه فدراسیون جهانی جوانان و مبارزات این فدراسیون در راه حقوق جوانان، در راه صلح، به کار فدراسیون جهانی در سال های اخیر اشاره کرد که علی رغم تمامی دشواری ها ادامه یافته و برنامه فدراسیون برای آینده را ترسیم نمود. سازمان جوانان توده ایران نیز که از اعضای شورای مرکزی فدراسیون جهانی می باشد، در پیام خود به

کنگره ضمن اشاره به دهمین سالگرد برگزاری "سال جوانان" که در جریان کنگره جشن گرفته می شد، به تشریح وضعیت فاجعه بار زندگی جوانان ایران در حکومت "ولایت فقیه" پرداخت و از نیروهای مترقی و نمایندگان سازمان های جوانان خواست تا همبستگی خود را با مبارزات اوج گیرنده مردم، جوانان، دانشجویان، کارگران و زحمتکشان ایران تشدید کنند. در پی این درخواست دبیرخانه فدراسیون قطعنامه ویژه ای را در ابراز همبستگی با مبارزات مردم ایران در دستور کار کنگره قرار داد که با اکثریت آراء به تصویب کنگره رسید.

متن کامل سند همبستگی در صفحه ۲

سرنوشت و آینده ایران به دست مردم ایران تعیین خواهد شد

نیوتن کینگریج، رئیس کنگره آمریکا در سخنانی که در هفته های اخیر بیان کرد و در رسانه های گروهی جهان انعکاس یافت، از جمله خواهان سرنوشتی حکومت جمهوری اسلامی در ایران گردید.

طرح این مطلب از سوی یکی از مهمترین شخصیت های هیئت حاکمه آمریکا در شرایط کنونی، مساله ای است که هیچ نیروی مترقی، آزادیخواه و مسؤلی نمی تواند بی توجه از کنار آن بگذرد.

بحث بر سر این نیست که آیا طرح سرنوشتی جمهوری اسلامی اصولاً درست یا نادرست است، بلکه بحث بر سر این است که چگونه نماینده هیئت حاکمه آمریکا چنین کستاخانه برای سرنوشت آینده کشور ما تعیین تکلیف می کند. روشن است که بنیاد فکری چنین نظری، بر سیاست مداخله گرایانه و سلطه جویانه امپریالیسم و سخنگویان آن علیه کشورها و خلق های جهان نهفته است و نه نگرانی "انسانی" آنان پیرامون سرنوشت تلخ و دردناکی که بر مردم این کشور ها تحمیل گردیده است. تاریخ معاصر کشور ما تصویر

امپریالیسم بوده و هست. فاجعه جنگ ایران و عراق که به تحریک مستقیم دولت آمریکا آغاز گردید، در کنار توطئه های گوناگون برای تهمی کردن جنبش رهایی بخش و ضد امپریالیستی منطقه از محتوای مردمی آن و بالاخره همکاری فعال با ارتجاعی ترین نیروهای سیاسی کشور برای به شکست کشاندن انقلاب و بازگرداندن شرایط گذشته وابستگی به امپریالیسم تنها بخشی از عملکردهای هیئت حاکمه آمریکا در رابطه با کشور ما در سال های اخیر را تشکیل می دهد. مردم ما فراموش نکرده اند، در حالیکه ریگان رئیس جمهور سابق آمریکا، دم از مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی می زد، نمایندگان مستقیم او مشغول مذاکرات مخفی با سران رژیم برای سرکوب نیروهای مترقی و بالاخره سرکوب انقلاب بهمن ۵۷ بودند.

تاریخ معاصر منطقه ما نشان می دهد که برای آمریکا و متحدانش، تنها غارت بی چون و چرای منابع عظیم مالی

ادامه در ص ۲

کویا و تکان دهنده اعمال چنین سیاست هایی است. امپریالیسم آمریکا و بریتانیا، در گذشته ای نه چندان دور، با زیرپا گذاردن تمامی اصول انسانی و موازین بین المللی حکومت منتخب و ملی دکتر مصدق در ایران را سرنوخت کردند، برای بیش از ۲۵ سال مردم ایران را به زندگی در زیر یوغ یک حکومت مستبد، وابسته و ضد مردمی که تنها وظیفه اش تامین منافع اربابان خارجی اش بود، وادار ساختند.

گذشته مداخله جویانه، مخرب و ویرانگر سیاست های امپریالیسم، خصوصاً امپریالیسم آمریکا در کشور ما آنچنان بود، که شعار استقلال و رهایی کشور از دخالت خارجی، یکی از اساسی ترین خواست های انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را تشکیل می داد. اخراج بیش از ۲۰۰۰۰ مستشار نظامی آمریکا از ایران، و جنبش ضد آمریکایی که تمامی منطقه خاورمیانه را فراگرفت، نتیجه طبیعی اعتراض اکثریت عظیم خلق های منطقه علیه سلطه جویی

زنده باد آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

همبستگی پرشور جوانان جهان با مبارزه مردم ایران

ما سازمان های امضاء کننده زیر، بسیار نگران ادامه سرکوب حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی هستیم. حقوقی مانند، آزادی اندیشه، بیان، آزادی تحزب، که اخیراً توسط ۱۲۴ تن از نویسندگان و هنرمندان سرشناس ایران، و بیش از ۵۰۰ روزنامه نگار، دانشجویان معترض و زحمتکشان ایران طلب می شود، بخشی از حقوق انسانی است که در منشور جهانی حقوق بشر حک گردیده است، و امروز مردم ایران از آنها محروم هستند.

ما همچنین مطلع شده ایم که تمامی احزاب سیاسی کشور ممنوع اعلام گردیده اند، و هر گونه مخالفت سیاسی با خشن ترین و وحشیانه ترین شکل ممکن سرکوب، و مخالفان، دستگیر، شکنجه و اعدام می شوند. ما خصوصاً بشدت از رفتار غیر انسانی رژیم با زنان ایرانی، که آنان را از حقوق اولیه شان محروم کرده است، متاثر و ناراحت هستیم.

ما در حالیکه این رفتار ضد بشری علیه مردم، روشنفکران، نویسندگان، دانشجویان و کارگران و زحمتکشان ایران را محکوم می کنیم، از سازمان های بین المللی می خواهیم تا با تشدید فشار بر جمهوری اسلامی، خواهان قطع فوری سرکوب حقوق بشر، و آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی ایران گردند.

صدر فدراسیون جهانی جوانان دموکرات (ن. نایدو)
لیگ جوانان کنگره ملی آفریقا
لیگ جوانان سوایو
جنبش جوانان آفریقا (پی. ا. سی)
اتحادیه جوانان کمونیست کوبا
جنبش جوانان کمونیست پرتغال
جوانان کمونیست برزیل
جوانان پولیساریو (صحرا)
لیگ جوانان لافوس
لیگ جوانان کمونیست ایتالیا
لیگ جوانان آزاد آلمان (اف. د. یود)
جوانان سوسیالیست آلمان
جنبش جوانان کمونیست فرانسه
سازمان جوانان سوسیالیست ژاپن
لیگ جوانان دموکرات ژاپن
سازمان جوانان دموکراتیک فیلیپین
فدراسیون جوانان دموکرات عراق
جنبش جوانان انقلابی آنکولا (ژامپلا)

اتحادیه دموکراتیک جوانان اردن
اتحادیه جوانان دموکراتیک سوریه
فدراسیون سراسری جوانان هند
لیگ جوانان سوسیالیست مراکش
اتحادیه دانشجویان بنگلادش
اتحادیه جوانان بنگلادش
اتحادیه جوانان کمونیست اسپانیا
اتحادیه جوانان کمونیست کاتولونیا - اسپانیا
لیگ جوانان کمونیست یونان
لیگ جوانان کمونیست آمریکا
جنبش مردمی جوانان سوسیالیست مکزیک
اتحادیه جوانان کلمبیا
جوانان مترقی قبرس (ادون)
لیگ جوانان کمونیست روسیه
لیگ جوانان کمونیست اتحاد شوروی (کامامول)
لیگ جوانان کمونیست اسرائیل
جوانان سوسیالیست مراکش
لیگ جوانان مترقی باربادوس

اتحادیه جوانان الجزایر
اتحادیه جوانان سودان
فدراسیون جوانان دموکراتیک نپال
جنبش جوانان مارکسیست مجارستان
جنبش جوانان کمونیست ونزوئلا
جنبش جوانان حزب کارگران ترکیه
اتحادیه عمومی جوانان فلسطینی (کوپس)
اتحادیه جوانان خلق های اسپانیا
جوانان سوسیالیست رومانی
جنبش جوانان مارکسیست بلژیک
جنبش جوانان انقلابی ۸ اکتبر - برزیل
جوانان کمونیست کلمبیا
جوانان جنبش ائتلاف ملی کلمبیا
جوانان کمونیست جمهوری دومینیک
سازمان جوانان توده ایران
سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران (اودیسی)

سرنوشت آینده ایران ...

خاورمیانه و خلیج فارس است که از اهمیت حیاتی و تعیین کننده ای برخوردار است و آنها حاضرند برای تامین این خواست ها به هر اقدامی دست بزنند. لشکر کثیف نظامی آمریکا به خلیج فارس، به بهانه آزاد سازی کویت، که دولت صدام حسین به اشاره و اجازه سفیر آمریکا اشغال کرده بود، و سپس کشتار ده ها هزار عراقی که در معرض آزمایش آخرین جنگ افزارهای مدرن و مخرب قرار گرفتند، میزان انساندوستی نیات آمریکا و متحدانش در منطقه را نشان می دهد. مردم کشورهای منطقه فراموش نکرده اند که جرج بوش نیز در گذشته ای نه چندان دور، مردم عراق را به قیام مسلحانه علیه رژیم صدام فراخواند و آنچنان فاجعه ای از کشتار مردم بی گناه در عراق پدید آورد.

رئیس کنگره آمریکا، که در عین حال نماینده

راست ترین و ارتجاعی ترین جناح های هیئت حاکمه آمریکا است، بر اساس چنین سابقه سیاهی خواهان دخالت آمریکا در امور داخلی کشور ما می شود.

چنین اظهار نظرهایی از سوی دیگر، نشانگر رشد سیاست های مداخله جویانه مستقیم و آشکار از سوی امپریالیسم در شرایط نوین جهانی و تغییر توازن نیروها در سطح جهان نیز می باشد.

آنچه مسلم است، این است که مردم ایران با هر دخالت خارجی به هر نیتی که باشد، بشدت مقابله کرده و خواهند کرد.

مبارزه مردم ایران علیه رژیم ضد مردمی و استبدادی "ولایت فقیه" مبارزه ای است که هدفش نه بازگشت ایران به دوران قبل از انقلاب، آنطور که آقای کینگرید و برخی از هواداران ایرانی او طلب می کنند، بلکه استقرار دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی است.

از جمله کسانی که از طرح چنین اظهار نظرهایی خوشحال می شوند، سران رژیم جمهوری اسلامی

هستند، که بدینوسیله بتوانند، هرگونه صدای آزادیخواهی و مبارزه طلبی در درون کشور را عامل بیگانه معرفی کنند و آن را وحشیانه سرکوب کنند و بعد نیروهای غیر دموکراتیک از اپوزیسیون کشور هستند که مانند گذشته امیدوارند، "آریابان" وسایل بازگشت "پیروزمند" آنان به حکومت را دوباره آماده کنند.

برپایه چنین درکی است که محکوم کردن چنین سیاست های مداخله گرانه ای از سوی همه نیروهای آزادیخواه و مترقی کشور، مرزبندی میان آزادیخواهی و استقلال طلبی از سویی و ارتجاع و وابستگی از سوی دیگر را نشان می دهد. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن این سیاست های مداخله جویانه، باردیگر نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور را به وحدت عمل و مبارزه مشترک برای استقرار دموکراسی، آزادی و شرکت فعال در تعیین سرنوشت آینده کشور فرا می خواند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت:

هشتمین مارس، روز جهانی زن

زنان مبارز و رزمنده ایران ۱

کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرارسیدن ۸ مارس، روز جهانی زن، و روز تجدید عهد نیروهای مترقی و انسان دوست با آرمان های والای برابری واقعی زنان و مردان را به شما زنان مبارز و پیکارگر کشورمان صمیمانه تبریک می گوید و همبستگی پرشور خود را با مبارزه قهرمانانه شما اعلام می دارد.

امسال ۸۵ سال از برگزاری این روز می گذرد و زنان در سراسر جهان برای دستیابی به حقوق حقه شان راهی طولانی و پرفراز و نشیب را پیموده اند. دستیابی به حق رای، حق کار، حق شرکت در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی و از هم مهمتر کام های عملی در راه ایجاد زمینه های عینی برای تامین استقلال اقتصادی - اجتماعی زنان بخشی از مبارزه بزرگ و دشواری بوده است که زنان پیشرو در سراسر جهان به پیش برده اند. علی رغم دهه ها مبارزه و دستاورد های مهم، خصوصاً در کشورهای پیشرفته جهان، واقعیات سخت و دردناک چنان است که باید گفت، هنوز در بسیاری از کشورهای جهان، زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند، از حقوق اولیه و انسانی خود محروم هستند و در غل و زنجیر عقب ماندگی، واپسگرایی فرهنگی، و بی عدالتی حاکم بر جوامع طبقاتی در شرایط بسیار دشوار و غیر انسانی زندگی می کنند.

از جمله کشورهایی که زنانش در شرایط فاجعه باری بسر می برند، کشور ما ایران است که علی رغم دهه ها مبارزه، حقوق آنان هنوز بشدت سرکوب می گردد. زنان نقش عظیمی در به پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۵۷ ایفاء کردند و در صف مقدم مبارزه ای قرار گرفتند که ایران را از دیکتاتوری رها کند و امید برپایی حکومت متکی بر دموکراسی و آزادی را به ارمان آورد. ولی علی رغم همه فداکاری ها، شور انقلابی و توان عظیم اجتماعی که جنبش بهمن ۵۷ در جامعه ما به حرکت در آورد، نیروهای ارتجاعی و واپسگرا توانستند در نبود وحدت نیروهای مترقی و آزادیخواه، انقلاب را به بیراهه و سرانجام به شکست فاجعه باری بکشانند.

زنان کشور ما از بزرگترین قربانیان این خیانت بزرگ و فاجعه ای هستند که ما امروز با نام رژیم "ولایت فقیه" با آن روبرو هستیم. قوانین مدنی و قضایی حاکم بر کشور، زنان را به مثابه شهروندان درجه دوم به حساب می آورد که از بسیاری حقوق مانند: حق آموزش، اشتغال، حق برگزیدن همسر، حق سرپرستی اطفال و ... عملاً محروم هستند و در شرایط طاقت فرسای اجتماعی، زیر فشار ستم مضاعف زندگی می کنند.

حتی آمارهای رسمی جمهوری اسلامی نیز به اندازه کافی افشاگر ابعاد فاجعه ای است که علیه زنان ایرانی در جمهوری اسلامی به وقوع پیوسته است. برای نمونه تلاش های زنان برای دستیابی به استقلال اقتصادی که از مهمترین پایه های دستیابی به برابری حقوق با مردان است، در سال های پس از انقلاب با مخالفت سرسختانه سران جمهوری اسلامی روبرو گردیده است. در پی اعمال سیاست های زن سیزانه و اعمال فشار دستگاه های گوناگون، بسیاری از زنان از کارهای خود بیکار شده اند و به "خانه نشینی" اجباری وادار گردیده اند. اخراج زنان از اداره ها و وزارتخانه های دولتی زیرپوشش های گوناگون، در چنان ابعادی انجام گرفته است که تعداد زنان کارمند در برخی از اداره های دولتی بشدت کاهش یافته است. افزون بر این زنان کارمند زیر فشار دائمی مزدوران رژیم برای رعایت "حجاب" اسلامی و در برخی موارد جدا بودن از کارمندان مرد، در شرایط غیر انسانی مجبور به کار هستند. برای روشن تر شدن اوضاع کافی است به برخی آمار رسمی پیرامون تعداد و ترکیب کارمندان موسسه ها و وزارت خانه های دولتی اشاره کنیم.

- از کل ۵۴۳ کارمند مجلس شورای اسلامی، تنها ۳۹ نفر کارمند زن وجود دارد.

- از کل ۱۳۲۹۴ کارمند وزارت بازرگانی تنها ۱۲۵۷ نفر آنان را زنان

تشکیل می دهند.

- از کل ۵۸۷۹ نفر کارمند وزارت کار و امور اجتماعی، تنها ۷۲۹ نفر

آنان را زنان تشکیل می دهند.

- از کل ۷۴۹۶ کارمند وزارت صنایع، تنها ۸۶۹ نفر آنان زن می باشند.

- از کل ۳۱۸۶۱ کارمند وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تنها ۵۶۴۶

نفر کارمند زن هستند و بالاخره

- از کل ۱۰۴۰۶۷ کارمند وزارت اقتصاد و دارایی، تنها ۱۰۲۶۵ نفر

آنان را زنان تشکیل می دهند.

فشار و محدودیت ها علیه زنان در دیگر عرصه های اجتماعی نیز به شکل عریانی مشاهده می شود. مساله آموزش، از جمله عرصه هایی است که تضعیقات فراوانی علیه زنان ایرانی اعمال می گردد. سران رژیم علناً زنان را به "ازدواج"، "ازدواج موقت"، "خانه داری"، "بچه داری" و "مراقبت از شوهران" فرا می خوانند و کارهای حرفه ای، فنی و آموزش عالی را که در شرایط کنونی جامعه ما از معدود راه های دستیابی به کار است، برای زنان نامناسب اعلام می کنند. عملکرد این سیاست ها آنچنان است که به عنوان نمونه از جمع ۱۳۲۰۰۵ دانش آموز دوره هنرستان های فنی کشور، تنها ۶۴۶ نفر آنان را دختران تشکیل می دهند و بر اساس همین آمار از جمع ۲۰۹۷۵ دانشجوی آموزشگاه های فنی کشور، تنها ۶۴۵ آنان را دختران دانشجو تشکیل می دهند. و یا از ۳۱۲۰۷۶ دانشجو در کل کشور، ۲۲۶۷۵۱ را دانشجویان مرد و تنها ۸۵۳۲۵ نفر را زنان تشکیل می دهند.

فشارهای طاقت فرسای اجتماعی، و شرایط غیر انسانی تحمیل شده به زنان در چنان ابعادی است که تحمل زندگی برای بخش های بزرگی از نسل جوان کشور که در محرومیت و فقر بسر می برند، بسیار دشوار گردیده است. رشد بی سابقه آمار خودکشی خصوصاً در میان دختران جوان، رشد اعتیاد، جنایت و فحشاء در جامعه نتیجه طبیعی اعمال این سیاست های ضد مردمی است که از سوی رژیم دنبال می گردد.

مبارزه برای رهایی زنان از زنجیرهای استبدادی و قرون وسطایی، امروز، یکی از مهمترین عرصه های پیکار اجتماعی - سیاسی است که علیه رژیم "ولایت فقیه" در کشور ما در جریان است. مبارزه در راه لغو کلیه قوانین محدود کننده حقوق زنان، مبارزه در راه تامین حقوق اجتماعی برابر - حق اشتغال، حق تحصیل، حق انتخاب آزاد در همه عرصه های زندگی، از جمله عرصه های مهمی است که زنان ایرانی در راه آن مبارزه می کنند.

حزب توده ایران، نخستین حزب سیاسی کشورماست که پرچم مبارزه در راه احقاق حقوق زنان را به اهتزاز در آورد و در طول بیش از پنج دهه، پیکرانه در راه تحقق این آرمان های والای انسانی در کنار زنان ایران رزمیده است.

امروز نیز حزب توده ایران، مبارزه در راه رهایی زنان را بخش جدایی ناپذیر و حیاتی از جنبش عمومی خلق برای استقرار دموکراسی و آزادی در کشور می داند و معتقد است بدون آزادی زنان، ایران روی آزادی را نخواهد دید. کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر در این روز فرخنده همبستگی رزمجویانه خود را با تمامی زنان ایرانی، خصوصاً زنان کارگر و زحمتکش، اعلام می دارد و اطمینان دارد که نبرد برای رهایی زنان کشورما از غل و زنجیر استبداد قرون وسطایی به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید.

درد پرشور به زنان مبارز و آزادیخواه ایران!

درد پرشور بر زندانیان سیاسی زن دیروز و امروز وطن ما!

فرخنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفندماه ۱۳۷۳

اعتراف رژیم به ترور مخالفان

موسوی نژاد، مدیر کل امنیت داخلی در وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، تلویحا اعتراف کرد حکومت اسلامی ایران مخالفان خود را در خارج ترور می کند. وی گفت: «عده ای دست اندر کار تدارک فروپاشی حکومت اسلامی هستند و ما ناچار هستیم با آنان مبارزه کنیم». وی که در مصاحبه با «اطلاعات هوایی» سخن می گفت به طور مستقیم اعتراف کرد که حکومت اسلامی در ترور مخالفان خود، از جمله دکتر شاپور بختیار، دست داشته است. موسوی نژاد سپس گفت: «حکومت اسلامی ایران می تواند در برابر مخالفانی که فعال نیستند و شعار براندازی نمی دهند صبور باشد».

پاسخ خامنه ای درباره مساله حقوق بشر و آزادی: «همه اش دروغ است»

خامنه ای در سخنرانی خود در نخستین نماز جمعه ماه رمضان - همزمان با شانزدهمین سال روی کار آمدن حکومت اسلامی، اعلام کرد: «دولت ایران هیچ گاه به اندازه امروز قوی نبوده است». وی ضمن آنکه به بریتانیا هشدار داد که محتاطانه عمل کند، گفت: «ما با آمریکا قطع رابطه کردیم ولی مناسباتمان را با بریتانیا در سطحی حفظ می کنیم». خامنه ای به جنایت ها و دخالت های انگلستان پرداخت و گفت: «خدا انتقام ملت ایران را از آنان گرفته است. وی سپس درباره گزارش اخیر وزارت خارجه آمریکا پیرامون حقوق بشر در ایران گفت: «همه اش دروغ است!» وی سپس پرسید: «ما مگر چه کسی را اعدام کرده ایم؟!» و خود در پاسخ گفت: «قاچاقچی ها را». خامنه ای ابراز عقیده کرد که «مردم ایران در سطحی گسترده از حکومت حمایت می کنند و ملت ایران از لحاظ سیاسی آزادی کامل دارد، ولی خود مردم از سیاست دلزده شده اند!»

داوری واقعیت ها:

* حزب ملت ایران، رژیم حاکم بر ایران را به برقراری حکومت خودکامه و یکه تازی متهم ساخت.
* نشریه «پیام دانشجویان بسیجی»، دستاوردهای رژیم را در برابر علامت سوال قرار داد. این نشریه خطاب به هاشمی رفسنجانی نوشت: «جناب رئیس جمهور! علت وضع خراب موجود، ناتوانی شماست». شخصی به نام



سهرابی، در این نشریه از رفسنجانی پرسیده است: «پسته رفسنجان تا چه حد مشمول عوارض و مالیات شده است؟».

* ۸۰ تن از روشنفکران، نویسندگان، پژوهشگران، هنرپیشگان و اندیشه گران فرانسوی در نامه ای به جانبداری از ۱۳۴ نویسنده، شاعر و روشنفکر ایرانی، از حکومت اسلامی ایران خواستند در برآوردن خواست های طبیعی و انسانی نویسندگان و روشنفکران ایرانی بکوشد.

رفسنجانی تصویر خوش بینانه ای از آینده اقتصادی حکومت اسلامی ارائه می کند، ولی...

* در حالیکه اکثر روزنامه ها و کارشناسان اقتصادی از هرج و مرج و خرابی اوضاع اقتصادی سخن می گویند، هاشمی رفسنجانی تصویر خوش بینانه ای از آینده حکومت اسلامی ارائه داد و مدعی شد که «مردم پیشرفت را درک می کنند».

* رفسنجانی گفت: «جمهوری اسلامی هدیه ای الهی است»، ولی:
از گزارش هایی که روزنامه ها انتشار دادند چنین بر می آید که هرج و مرج اقتصادی به اوج خود رسیده است (به نوشته «کیهان» چاپ تهران): روزنامه «سلام» نوشت: «قیمت ها لحظه به لحظه در بازار بالا می رود»: «کیهان»، نوشت: «مردم عقیده دارند که قیمت ها افسار گسیخته است و مجلس شورای اسلامی نباید ساکت بنشیند». به نوشته، همین روزنامه «قیمت گوشت در عرض چند روز، ۵۰ تا ۱۰۰ تومان افزایش یافته است و از توزیع روغن نباتی و کره خبری نیست». همین روزنامه، سپس بانک مرکزی را مورد انتقاد قرار داد و نوشت: «بانک مرکزی به جای آنکه مهار اقتصاد کشور را در دست داشته باشد دنباله رو دلال ها شده است و از قول بانوی مستمری بگیری نوشت: «با ۱۱

هزار تومان مستمری که دریافت می کنم نمی دانم چگونه عدس کیلویی ۳۰۰ تومان و گوشت کیلویی بیش از ۵۰۰ تومان بخرم؟!».

روزنامه «جهان اسلام» توقیف شد

روزنامه «جهان اسلام»، که از سوی برادر خامنه ای منتشر می شد، سخنان رهبر جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داد و او را، بی آنکه از وی نام ببرد به «دایی جان ناپلئون» تشبیه کرد. این روزنامه، همچنین ضمن انتقاد شدید از دولت هاشمی رفسنجانی او را مسوول همه ناکامی های کشور معرفی کرد.

روز یکشنبه ۲۳ بهمن، روزنامه «سلام» نوشت: «روزنامه «جهان اسلام» از روز پنجشنبه (۲۰ بهمن) توقیف شد». روزنامه «جهان اسلام» گذشته از کاربرد لقب طنز آمیز برای رهبر جمهوری اسلامی، ضمن انتقاد شدید از دولت هاشمی رفسنجانی، با استناد به حدیثی از شارع اسلام، نوشت: «مملکت با کفر می ماند و با ظلم نمی ماند»، و سپس تصریح کرد: «امروز در کشور، ظلم ریشه دوانیده است».

روزنامه «سلام»، خبر توقیف روزنامه «جهان اسلام» را در صفحه نخست خود، در کنار سخنان اخیر هاشمی رفسنجانی، اعلام کرد. رئیس جمهور اسلامی اخیرا در دیداری با سفیران و نمایندگان سیاسی خارجی گفت: «جراید می توانند انتقاد کنند».

«سرمایه دار، سرمایه دارتر و فقیر، فقیرتر شده است...»

* به موازات بالا رفتن قیمت مایحتاج عمومی، بهای ارز؛ و طلا به طور سرسام آور افزایش یافت. بهای دلار آمریکا از مرز ۴۴۰ تومان تجاوز کرد، و سکه «بهار آزادی» به ۵۵ هزار تومان رسید.

* «سلام» نوشت: «متاسفانه همین افزایش بهای ارزها و سکه طلا بر نرخ همه کالاها و خدمات تاثیر زیاد گذاشته است».

* روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز وضع اقتصادی کشور و گرانی مایحتاج عمومی و افزایش بهای ارزها را «لجام گسیختگی» توصیف کرد.

* روزنامه «سلام»، در ستون «الو سلام»، از قول خواننده ای نوشت: «با این وضع و نظام پولی که در سه ماه ارزش پول ملی ۳۳ درصد سقوط کرده است، عده ای می کوشند پول خود را به کالا یا ارز تبدیل کنند. این وضع، سرمایه دار را سرمایه دارتر، و فقیر را فقیرتر ساخته است». خواننده سلام سپس می پرسد: «آیا

بدرود رفیق سرافراز

رفیق غلامرضا سرافراز از مبارزان قدیمی حزب توده ایران در خوزستان در سن ۶۲ سالگی در نتیجه عواقب شکنجه های کزماکان اسارتگاه های رژیم جمهوری اسلامی چشم از جهان فروبست.

وی از سن چهارده سالگی توسط علی امید و یارانش به حزب توده ایران کروید. در جریان جنبش ملی شدن نفت و در مبارزات پس از کودتای سپاه ۲۸ مرداد از مبارزان فعال توده ای و از سازماندهندگان کارگران صنف نانوا و از فعالین اتحادیه کارگری و عضو کمیته شهر اهواز بود که در جریان فعالیت خود چندین بار به زندان افتاد و مورد شکنجه های وحشیانه قرار گرفت. وی در جریان انقلاب ضد دیکتاتوری ۱۳۵۷ و پس از آن به طور فعال به بازسازی تشکیلات حزب در اهواز پرداخت. پس از یورش رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران رفیق سرافراز به زندان افتاد و شکنجه شد. او از مبارزان مقاوم و پرچمداران توده ای مبارز در زندان اهواز بود. رفیق سرافراز، مدت کوتاهی پس از آزادی از زندان به دلیل عدم رسیدگی به بیماری چشمش در طول اسارت، بینایی خود را از دست داد. رفیق کارگر توده ای هیچگاه امید خود را به نجات توده های محروم میهن از دست نداد و تا واپسین لحظات زندگی مبلغ پر شور آرمان های انسانی حزبش بود.

از رفیق کارگر ما غلامرضا سرافراز دفتر شعری به جا مانده که سرشار از روح مبارزه جویی، میهن پرستی و عشق به حزب و مردم میهنش است.

خطاب به حزبش می گوید:

حاشا

حاشا که ترا برم من از یاد
با یاد تو می شود دلم شاد

.....

وارسته شدم من از کلامت
زیبا شده شعر من ز نامت

ooo ooo ooo

یادش ماندگار و راهش پر رهرو باد!

جلال» و دستاوردهای آن، که خامنه ای از آن سخن می گوید، نوشت: «در این ایام دهه فجر هرگز تصور نمی کردیم کسی برای تامین مخارج و تهیه جهیزیه دخترش کلیه های خود را بفروشد!»
و روزنامه "جمهوری اسلامی" نوشت: «مرغ بر اوج قله گرانی نشسته است، و هر کیلوی آن از ۲۸۰ تومان به ۳۸۰ تومان افزایش یافت».

نقش رسواگر رژیم در عرصه بین المللی و دیپلماسی

* محمود واعظی طبعی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز ۱۸ بهمن را در دانمارک به سر برد ولی نمایندگان پارلمان و رسانه های این کشور، دولت را به علت پذیرفتن او مورد انتقاد قرار دادند. وی در دانمارک سخنانی پیرامون فتوای قتل سلمان رشدی گفت که مفهومی این بود که این فتوا امری مذهبی است و حکومت ایران در آن دخالتی ندارد. با این همه، به نوشته روزنامه "جمهوری اسلامی"، وی در بازگشت از دانمارک گفت: «از نظر حکومت اسلامی، فتوای آیت اله خمینی قابل تغییر نیست». در پی این اظهار نظر واعظی طبعی، روزنامه های دانمارک سخنان او را منعکس کردند و مقام های این کشور اعلام کردند که رابطه با حکومت اسلامی ایران باید مورد بررسی قرار گیرد. وزیر خارجه دانمارک گفت: حکومت های اسکاندیناوی باید بر فشار خود بر حکومت اسلامی ایران بیفزایند. وی همچنین درباره سخنان متناقض معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی گفت: اینکه وی نزد ما یک چیز می گوید و در کشور خودش چیز دیگر، نمی تواند در روابط ما تاثیر خوب داشته باشد و باید در روابط دو کشور تجدید نظر شود و جالب این است که سفیر حکومت اسلامی ایران در دانمارک سپس اعلام کرد که «حکومت اسلامی ایران تروریسم را به هر شکل آن محکوم می کند و هرگز کسی را مأمور ترور سلمان رشدی نکرده است و نمی کند. ولی محمدی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، آنچه را سفیر از لحاظ ابراز نرمش دیپلماسی رشته بود پنبه کرد و گفت: فتوای قتل سلمان رشدی در واقع حکمی است که از سوی همه جهان اسلام صادر شده، زیرا از طرف وی به عقاید یک میلیارد مسلمان توهین شده است. با این حال، در راستای این سیاست «کج دار و مریز» و متناقض، مقام های حکومت اسلامی ایران، همزمان با ششمین سال فتوای خمینی در مورد قتل سلمان رشدی، کوشیدند هیاهوی زیاد راه نیندازند. خبرگزاری "اسوشیتد پرس" اعلام کرد: حکومت اسلامی می خواهد از لطمه بر حیثیت رژیم بکاهد. رادیو- تلویزیون برای نخستین بار برنامه ای به مناسبت سالگرد صدور فتوا پخش نکرد و روزنامه ها مقاله ها و مطالبی تحریک آمیز منتشر نکردند.

مسولان، همچنان وعده بهبود اوضاع را می دهند؟». و با این حال: سخنگوی وزارت امور خارجه می گوید: «هیچ دولتی در جهان مانند حکومت ایران از محبوبیت برخوردار نیست...».
محمدی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، در پاسخ رئیس مجلس نمایندگان آمریکا که خواستار برافکندن رژیم حاکم بر ایران شده گفت: «بهتر بود، اودست کم تصاویر ماهواره ای ۲۲ بهمن را که نشان همبستگی ملت ایران با نظام است، می دید...».
ولی آگاهان سیاسی در تهران اعلام کردند: شمار زیادی از افراد که در مراسم شانزدهمین سالگرد ۲۲ بهمن شرکت کرده بودند کارمندان دولت و دانش آموزان بودند. این آگاهان همچنین اعلام کردند که حضور در مراسم از سوی مقام های رژیم واجب شرعی، تلقی شد؛ از حاضران، حضور و غیاب به عمل آمد و غایبان به مجازات تهدید شده بودند.

* هفته نامه «پیام دانشجوی بسیجی» در برخورد با نظامی که به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه اش «هیچ دولتی در جهان مانند او از محبوبیت عام برخوردار نیست» نوشت: «اگر اختلاسی به اندازه ۱۲۳ میلیارد تومان در آمریکا روی می داد ما می گفتیم «آمریکا لجن است». این هفته نامه سپس با استناد به گزارش روزنامه ها که مرتضی رفیق دوست، برادر محسن رفیق دوست، رئیس بنیاد مستضعفان که خود نیز متهم به سوء استفاده است، مرتکب اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومان از بانک صادرات شده است، نوشت: باید رابطه بنیاد مستضعفان با این پرونده اختلاس، روشن شود. در هفته نامه «پیام دانشجوی بسیجی»، دولت رفسنجانی متهم به فساد شده و او خود در مظان اتهام فرار از مالیات قرار گرفته است.

آنچه رهبر جمهوری اسلامی، به عنوان عظمت و جلال و صفش می کند:

خامنه ای روز ۱۹ بهمن، در برابر فرماندهان نیروهای مسلح گفت: انقلاب اسلامی، جنبش درخشانی بود که به ایران عظمت و جلال بخشیده... ولی روزنامه ها نوشتند: با شدت گرفتن فقر، فروش کلیه برای امرار معاش خانواده ها رواج گسترده پیدا کرده است. حتی وزارت بهداری جمهوری اسلامی تشکیلاتی برای خرید کلیه های مردم ایجاد کرده است. کارمند ۵۴ ساله اعلام کرد برای تهیه جهیزیه دخترش قصد دارد کلیه خود را بفروشد. و جالب است که وزارت بهداری جمهوری اسلامی از فروشندگان کلیه «پورسانت» می گیرد!
روزنامه "سلام" در تفسیر این «عظمت و

قتل رهبر اتحادیه کارگری در پاکستان

قتل فجیع عارف شاه، صدر فدراسیون کارگری پنجاب در روز ۲۹ دی ماه، توسط عوامل مزدور کارفرمایان، موجی از اعتراض را در این استان برانگیخت. روز ۳۰ دی ماه بیش از ۲۰۰۰۰ کارگر در مراسم تشییع جنازه عارف شاه شرکت کردند و سپس در اعتراض به این عمل جنایتکارانه، بزرگراه کراچی - لاهور را به مدت بیش از پنج ساعت مسدود کردند و در قطعه‌نامه ای که پس از پایان اعتراض خود منتشر نمودند، اعلام کردند که به مبارزه برای دستیابی به حقوق خود ادامه خواهند داد. قتل عارف شاه در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که در هفته‌های گذشته چند تن دیگر از رهبران اتحادیه‌های کارگری، از جمله محمود بات، رهبر و غلام میزان شاه، دبیر کل اتحادیه کارگران فولاد کاران در کارخانه ذوب آهن "اتفاق" در شهر لاهور نیز توسط اوباشان وابسته به کارفرمایان مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفته بودند. "جرم" این رهبران اتحادیه‌های کارگری که مورد یورش مزدوران ارتجاع قرار گرفته‌اند، تلاش این شخصیت‌ها در پایه‌گذاری یک اتحادیه کارگری سراسری مستقل در مقابل با اتحادیه‌های زرد، وابسته به کارفرمایان بوده است. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که کارخانه ذوب آهن "اتفاق" به نواز شریف، نخست وزیر دست راستی سابق پاکستان تعلق دارد.

بسیاری از اتحادیه‌های کارگری پاکستان به این اقدام‌های غیر انسانی اعتراض کرده‌اند، و فعالان کارگری این کشور، "کارزار دفاع از حقوق اتحادیه‌های کارگری در پاکستان" را که از سوی بسیاری از اتحادیه‌های سراسری این کشور مورد حمایت قرار گرفته است، تشکیل داده‌اند. این کارزار خواهان حمایت جنبش بین‌المللی سندیکاها، از مبارزه کارگران پاکستانی گردیده است.

متوقف شدن روند "خصوصی کردن" صنایع در مجارستان

دولت جدید مجارستان به رهبری حزب سوسیالیست (کمونیست‌های سابق) قرار فروش چندین شرکت بزرگ دولتی به بخش خصوصی را لغو نمود. در اولین اقدام مهم سیاسی دولت جدید، مسؤول "خصوصی کردن" صنایع کشور از کار برکنار شد و دولت اعلام کرد که خواهان تجدید نظر در تصمیم‌های گرفته شده توسط دولت سابق این کشور است. لازم به تذکر است که بر اساس قراردادهای امضاء شده توسط دولت قبلی قرار است، تمام هتل‌های دولتی و بخش قابل ملاحظه‌ای از صنایع تولیدکننده انرژی به شرکت‌های خارجی فروخته شود.

لغو ممنوعیت حزب کمونیست در اوکراین

پارلمان اوکراین، قانون ممنوعیت حزب



کمونیست اوکراین را پس از ۲ سال لغو نمود. این اقدام به حزب کمونیست اوکراین اجازه خواهد داد که اقدام‌های قانونی برای بازپس‌گیری بیش از ۱۰ میلیارد دلار مایملک و دارایی‌های حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق در اوکراین را که در سال ۱۹۹۱ در پی غیرقانونی شدن حزب مصادره شده بودند را آغاز کند. تصمیم پارلمان اوکراین به معنای به رسمیت شناختن حزب کمونیست، به مثابه ادامه دهنده قانونی حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق در این کشور است. حزب کمونیست اوکراین، در شرایط حاضر بیش از ۱۳۰,۰۰۰ عضو دارد و بزرگترین نیروی سیاسی کشور به حساب می‌آید.

پارلمان اوکراین همچنین در یک حرکت مهم دیگر خواهان متوقف شدن روند سپردن دارایی‌های ملی کشور، از جمله صنایع نفت، صنایع دفاعی و کارخانه‌های تولید نان به شرکت‌های خصوصی گردید.

پارلمان اروپا دولت ترکیه را محکوم کرد

پارلمان اروپا در روز ۲۷ بهمن ماه سال جاری، طرح یک قرارداد مهم کمرکی را که به دولت ترکیه اجازه می‌داد، بدون موانع کمرکی به بازار کشورهای اتحادیه اروپا دست یابد، به دلیل ادامه نقض حقوق بشر در این کشور رد کرد.

در قطعه‌نامه صادر شده نمایندگان پارلمان اروپا از دولت ترکیه خواستار تغییر قانون اساسی این کشور در جهت "تضمین دموکراسی و حقوق بشر" شدند. پارلمان اروپا تصویب هرگونه موافقتنامه تجاری با ترکیه را منوط به بهبود وضع حقوق بشر در این کشور کرده است.

کارخانه ماشین‌سازی "زیل" تعطیل شد

کارخانه ماشین‌سازی "زیل"، که یکی از بزرگترین مجتمع‌های ماشین‌سازی در اتحاد شوروی سابق بود و بیش از ۱۲۰,۰۰۰ کارگر در آن به کار مشغول بودند، تعطیل گردید. مدیران کارخانه "زیل" در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کردند که "زیل" که در حال حاضر عمدتاً به تولید کامیون مشغول است، به دلیل نداشتن سرمایه برای خرید مواد اولیه ناچار است تمامی ۱۲ کارخانه این مجتمع بزرگ را تا اطلاع ثانوی تعطیل

نماید. لازم به تذکر است که از سال ۱۹۹۲ که "زیل" به بخش خصوصی واگذار گردید، بیش از ۳۵,۰۰۰ نفر از کارگران این مجتمع بزرگ از کار بیکار شدند و اکنون نیز انتظار می‌رود که مدیران این شرکت برای راه‌اندازی مجدد آن خواهان بیکار کردن بیش از ۲۰,۰۰۰ کارگر دیگر باشند.

ادامه بحران مالی در مکزیک

در پی تشدید بحران مالی در مکزیک، خصوصاً پس از مخالفت کنکره آمریکا با اعطای یک وام ۴۰ میلیارد دلاری به این کشور و کاهش چشمگیر واحد پولی، دولت مکزیک اعلام کرد که سیاست روند خصوصی‌سازی صنایع اساسی را تسریع خواهد کرد.

از جمله صنایع بزرگی که در پی این تصمیم، به بخش خصوصی سپرده خواهد شد، بخش‌های بزرگی از شرکت دولتی تولید برق، شبکه تلفن محلی و راه دور، فرودگاه‌ها، صنایع پتروشیمی، بنادر و باقی‌مانده سهام دولت در بانک‌های این کشور است. نیروهای مترقی مکزیک بشدت مخالف این روند و سیاست‌هایی هستند که به دستور صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و زیر فشار دولت آمریکا دنبال می‌گردد، و با این روند مبارزه می‌کنند. در چارچوب اعمال چنین سیاست‌هایی است که مکزیک هم اکنون یکی از سنگین‌ترین وام‌های بین‌المللی را به بانک‌های جهانی بدوش می‌کشد. و فقر و محرومیت در این کشور ابعاد بسیار گسترده‌ای یافته است.

حزب کمونیست فنلاند بازسازی شد

کنکره برای بازسازی و تداوم فعالیت حزب کمونیست فنلاند، با شرکت ۲۵۳ نماینده از سوی ۹۰۰۰ عضو حزب و نیز نمایندگان بیش از ۳۰ حزب کمونیست و چپ در هلسینکی برگزار گردید. کنکره تصویب کرد که حزب کمونیست فنلاند به فعالیت خود به عنوان یک حزب قانونی و مستقل ادامه دهد. رهبری منتخب کنکره در اطلاعیه‌ای که پس از کنکره منتشر کرد، اعلام نمود که کمونیست‌ها فعالیت خود را در پارلمان و شورای شهر به عنوان بخشی از گروه ائتلاف چپ ادامه خواهند داد و تلاش خواهند کرد تا روابط خود را با سایر نیروهای چپ گسترش دهند.

اعتصاب بزرگ معدنچیان در قزاقستان

بیش از ۱۰۰,۰۰۰ معدنچی، با هدف وادار کردن دولت این کشور به پرداخت حقوق موقه کارگران دست به یک اعتصاب سراسری زدند که ۲۱ معدن از ۲۳ معدن زغال سنگ در حوزه شمالی کشور را تعطیل کرد.

معدن زغال سنگ این کشور در حال حاضر با رکود تولید و خطر بیکاری برای معدنچیان روبرو است. لازم به تذکر است که قزاقستان در سال ۱۹۹۲، با تولید بیش از ۱۲۶ میلیون تن زغال سنگ، یک چهارم تمامی زغال سنگ اتحاد جماهیر شوروی سابق را تولید می‌کرد.

برگرفته کوتاهی از ...

خودستایی پوچی است». طی یکسال نمایندگان حزب در پارلمان توانسته اند عملاً به تمام نواحی کشور سر بزنند و واقعیت امر را در مورد سیاست ناپود کننده حکام کشور با مردم در میان بگذارند، و به سازماندهی مقاومت توده ها در برابر رژیم کمک کنند. در حقیقت کار پارلمانی با مبارزه خارج از پارلمان قویا درهم آمیخته است. حزب ما، مانند قبل، عمیقاً معتقد است که در گردش مشخص حوادث و از جمله گذر رژیم به دیکتاتوری آشکار و تضییقات، اشکال گوناگون عمل توده ها اهمیت قاطع پیدا می کند».

رفیق زیوکائف آنگاه به کاربرد تجربه انتخاباتی کمونیست ها در انتخابات محلی، اشاره می کند و می گوید: «انتخابات نشان داد که روحیه توده ها بشکل مشهود به سمت چپ گرایش می یابد... «کمربند سرخ» هرچه تنگ تر مسکو را در بر می گیرد، از جنوب افزایش یافته و هرچه دورتر به شرق گسترش می یابد...»

کناد زیوکائف در مورد موافقتنامه های بلوژسکی که به از هم پاشی اتحاد شوروی منجر شد گفت: «کمیته اجرایی مرکزی در پی توصیه کنکره دوم برای لغو این موافقتنامه ها و استقرار اتحاد نوین خلق های شوروی از پای ننشسته است».

زیوکائف توجه نمایندگان را به این مسأله حساس جلب کرد که: «... کار بازسازی کشور واحد، به ویژه باوجود خطر فروپاشی روسیه، نمی تواند کار آسانی باشد. حوادث چچن را که آتش کانون جنگ تازه قفقاز و تقابل اسلاویان ها و مسلمانان را، طبق نمونه بوسنی، دامن می زند، نمی توان جز گامی جدید در جهت ویران سازی وحدت سرتاسری روسیه تلقی نمود... ما جداً قطع عملیات نظامی را از هر دو طرف، انجام مذاکرات لازم و بررسی علل این جنگ را طلب می کنیم».

زیوکائف علاقه محافل امپریالیستی را به درهم شکستن روسیه بیان کرد و نتیجه گرفت که از اینرو ایده میهن دوستی و نجات میهن از فروپاشی و ورشکستگی نه تنها سیاست داخلی، بلکه سیاست خارجی را دربر می گیرد. او اضافه کرد: «پیشرفت پروسه های بحرانی در کشورهای سوسیالیستی موجب عواقب جدی منفی برای اوضاع جهانی نیز بوده است. نه تنها وحدت اتحاد شوروی ویران شده است، توازن نیرو در عرصه بین المللی، که بیش از چهل سال پایه صلح جهانی بود نیز ویران شده است. به جای سیستم دو قطبی مناسبات بین المللی سیستم چند قطبی، آنچنان که خیالباف های سیاسی می گفتند، برقرار نکردید، بلکه سیستم یک قطبی که به معنای سلطه جهانی آمریکا بود، مستقر گردید. عملاً در نتایج جنگ جهانی دوم تجدید نظر شده است و افسانه خانه مشترک اروپا بی اعتبار گردیده است. در قبال چنین اوضاعی، ما پیشنهاد خود را در رابطه با سیاست بین المللی برپایه دو اصل بنیادین وحدت خلق های شوروی و دموکراتیزه گردیدن سیستم مناسبات بین المللی تعیین می کنیم».

بخشی از سخنان زیوکائف به بحران همه جانبه در کشور و جامعه تخصیص یافت. او از

جمله گفت: «سیاست اقتصادی کنونی به دستور صندوق بین المللی پول انجام می شود و این سازمان در کشورهای تابع به ایجاد اقتصاد بازار نوع غربی نمی پردازد. هدف اصلی آن کاملاً چیز دیگری است و آن عبارت از ساختن چنان اقتصادی است که تا کلو بدهکار وام های خارجی باشد، اما فقط توان پرداخت درصد سود را به موقع داشته باشد. اینکه این امر به چه قیمتی تمام می شود، برای صندوق بین المللی پول اهمیتی ندارد».

زیوکائف در مورد برنامه جدید حزب گفت: «حزب به ضرورت رشد سوسیالیستی روسیه اعتقاد دارد و بهیچوجه پیکیری از راه طی شده را دنبال نمی کند. ما به عقب به سوی سوسیالیسم دعوت نمی کنیم، به پیش به سوی سوسیالیسم دعوت می کنیم». وی اصول و ایده های مبنای تدوین و تحریر برنامه حزب را به این ترتیب برشمرد:

«۱- باوجود همه احترامی که به نظرات سیاسی بیان شده در جریان بحث داریم بر این مبنا عمل کردیم که برنامه نباید برآیندی از نظرات گوناگون و گاه مخالف و متضاد یکدیگر باشد، بلکه می بایست نتیجه تحلیل علمی برآمده از واقعیات کاملاً مشخص باشد».

«۲- سعی در مفهوم ساختن بیان نباید به ساده کردن ماهیت مسایل مورد بررسی منجر شود. گاه نمی توان پاسخ های ساده برای همه مسایل بفرغ، که ده ها سال انباشته شده است، داد. برنامه را باید با دقت خواند».

«۳- برنامه کمونیست ها نه براساس ایده های انحرافی، حتی از نوع جالب و جاذب آن، بلکه متکی بر گرایشات عینی رشد اجتماعی و فراگیری آگاهانه آن ها به نفع زحمتکشان و اکثریت مردم است. مثلاً هنگامی که بحث بی پایانی را درباره بهتر بودن مالکیت اجتماعی کامل و یا چند مالکیتی می شنویم، دچار تأسف می شویم: زیرا این مسأله بدون تحلیل چگونگی سطح لازم نیروهای تولیدی، شیوه تولید و سطح رشد معین تکنولوژی برای مالکیت اجتماعی که در عین حال بتواند پیروزی آن را نیز تأمین نماید، بحثی مدرسی (اسکولاستیک) و بی نتیجه است. مناسبات نواجمی تنها پس از آنکه بگفته مارکس، نه تنها به واقعیت اجتماعی بلکه به واقعیت تکنولوژیک تبدیل گردد، پیروز می شود...».

سپس سخنران ضرورت و لزوم پیروزی سیستم اجتماعی- اقتصادی را برای جوامع بشری مورد بررسی و استدلال قرار می دهد و آنگاه نگاهی گذرا به اهمیت و جای انقلاب کبیر اکبر می افکند که در درجه اول موجب نجات کشور موطن خود از ورشکستگی کامل اقتصادی، نظامی و جلوگیری از فروپاشی و تجزیه ارضی آن شد و در مقیاس بقیه جهان موجب عقب نشینی های معین از طرف سرمایه داران در مقابل زحمتکشان گردید. بگفته زیوکائف: «تمام جهان و از جمله غرب سیر از ثمرات انقلاب و پیروزی ما (در جنگ جهانی دوم بر فاشیسم) بهره می برند. ولی خود اتحاد شوروی مجبور بود در شرایط دژ محاصره شده به سر برد. دستاوردهای تاریخی مردم اتحاد شوروی به بهای کزاف و بکارگیری نیروی عظیم ممکن گردید... و مردم ما قربانی زیادی دادند زیرا بدون آن نه صنایع قدرتمند، نه ارتش و نه پیروزی ها می توانست بوجود آید».

بعد از آن نیز کشور همچنان در نظمی بسیج شده که «جنگ سرد» برآن تعمیل کرده بود، بسر می برد. در نتیجه، آزمون اضطراری مبارزه بخاطر حیات و شیوه های ویژه اداره کشور، بنا حق، به حقیقت لغزش ناپذیری تبدیل گردید. کشور برای مدت بسیار طولانی در این مرحله باقی ماند و بتدریج آن عنصری که نیروی عمده و امتیاز و برتری سوسیالیسم را می سازد یعنی فعال بودن، ابتکار و استقلال توده های میلیونی زحمتکشان را از دست داد. توده ها نتوانستند به تمام و کمال بر سرنوشت خود حاکم گردند...».

زیوکائف ضمن برشماری علل شکست سوسیالیسم در اتحاد شوروی یادآور می شود برخی ویژگی های روسیه پس از انقلاب اکتبر در این امر موثر بوده است. طبقه کارگر در آن هنگام در اقلیت بوده عناصر خرده بورژوا و لومپن نیز در کنار آن علیه سرمایه بزرگ بپا خاستند. در این مورد است که لنین می گوید: «در برخی جاها کارپرست ها، ماجراجویان که خود را کمونیست می نامند ما را فریب می دهند، به ما نزدیک می شوند؛ چون کمونیست ها در حکومت هستند، از طرفی چون عناصر «خادم» شریف به علت عقب ماندگی ایده ای، نیامدن با ما کار کنند و کارپرست ها که نه ایده ای دارند و نه شرفی سعی دارند خوش خدمتی کنند زور و اجبار را بکار می برند و فکر می کنند که این کار خوب است ولی در عمل این امر گاهی موجب می شود که دهقانان بکویند؛ «زنده باد حکومت شوروا، مرگ بر کمونیستها».

زیوکائف این حالت را با وضعی که «دموکرات ها» در روسیه، طی سال های اخیر با شعارهای خود، بوجود آوردند و توانستند مردم را جلب کنند مقایسه می کند و می گوید: «ولی زندگی نشان داد که بدون سوسیالیسم هیچگونه حکومت شوروا، حکومت زحمتکشان امکان پذیر نیست، همانطور که سوسیالیسم بدون حاکمیت واقعی مردم عملی نیست».

زیوکائف یکی دیگر از عوامل شکست موقت سوسیالیسم را در اجرای ناپیکیر اصل «از هرکس به اندازه استعداد و به هرکس به اندازه نتیجه کارش» می داند. این امر بگفته او «موجب نفقه خواری اجتماعی، بی تفاوتی، انفعال، رشوه خواری، دزدی های دولتی، مستی، کاهلی و تبلی گردید». زیوکائف در پی این تحلیل نتیجه می گیرد: «می خواهم مخصوصاً خاطر نشان بکنم که وظیفه عمده کمونیست ها نابود کردن مالکیت نیست، بلکه آن است که در عمل همه شهروندان به مالکان واقعی، شرکای دارایی تمام خلق تبدیل شوند».

زیوکائف، صدر کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه گزارش مفصل خود را با این کلمات درباره امکانات و امید کمونیست ها پایان برد: «امکانات ما عبارت است از بزرگترین حزب سیاسی کشور، ارتش نیم میلیونی کمونیست ها که به پشتیبانی روبه رشد توده های زحمتکش متکی است. و امید ما به اندیشه سالم، وجدان خلق کبیر ما، یکپارچگی زحمتکشان، به استواری ارتشیان و به شرف میهن دوستان است».

برگرفته کوتاهی از گزارش

کنایه زیوگائف، صدر کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه به سومین کنگره حزب

رفقا!

با افتتاح سومین کنگره، ما کمونیست های روسیه باید بیاد بیاوریم و بیاندیشیم که کیستیم، از کجا آمده ایم و به کجا می رویم.

ما از حزبی هستیم که زندگی بهترین فرزندان خود را در راه خلق، میهن و استقلال آن، عظمت فرهنگی و حکومتی آن نثار کرده است؛ از حزبی که فاشیسم را در هم شکست و راه کشتی فضای کیهانی شد... کسانی مانند استاخائف، کاکارین، شولوخف، لئونوف، یانفیلف، کورچاتف، میلیون ها کمونیست شریف، زحمتکشان و میهن پرستان اعضای این حزب را تشکیل می دادند.

و حزب دیگری، حزب بوروکراتیک خیانت ملی، حزب تروتسکی، و لاسو، کاریاچف و یلتسین نیز بود که همواره به روسیه به چشم سید خود نگاه می کردند. این یک، اینک نقاب را کنار زده است. به همراه بورژوازی تبه کار کشور شوراهای را ویران کرد و تلاش می ورزد به تنهایی و بدون نظارت و کنترل بر کشور حکمرانی کند. خطای عمده تاریخی ما در آن است که ما مدتی مدید با این حزب خیانت در یک سازمان بظاهر یکنانه همزیستی کردیم، نتوانستیم بوقع از آن فاصله بگیریم، با آن مقابله کنیم، به قدرت مطلقه آن، که رنج هایی این چنین سنگین برای مردم و کشور با خود آورد، راه دادیم...

زیوگائف درباره فعالیت جدید حزب چنین می گوید: «... حزب کمونیست فدراسیون روسیه طی مدتی کوتاه فعالیت نهادهای مرکزی و محلی خود را احیا کرد، نیرو گرفت و به قدرت سیاسی سرتاسری کشور تبدیل شد. حزب در ارکان های قانون گذار و نیز در نهادهای قدرت اجرایی محلی کشور تعداد قابل توجهی نماینده دارد... امروز حزب کمونیست فدراسیون روسیه در بیش از ۲۰ هزار سازمان های پایه خود بیش از ۵۰۰ هزار کمونیست را متحد کرده است... برنامه حزب آماده و برای بررسی به کنگره ارائه می شود. حزب چهره خود را حفظ کرده است نسبت به مواضع کمونیست ها، در مورد مهمترین مسائل سیاست داخلی و خارجی، وفادار است... صدای حزب هر روز قوی تر و مطمئن تر می شود، چیزی که حکومت صاحبان ثروت و نیروهای با نفوذ سیاسی در خارج شروع به شنیدن آن کرده اند»

زیوگائف نتایج مخرب روند فروپاشی و عواقب آن را برای کشور و جامعه بر می شمارد و از جمله در مورد وضع مردم می گوید: «در سال ۱۹۹۳ میزان موالید کشور برای هر زن به ۱/۳ رسیده، در حالیکه برای بازسازی خانواده این رقم نباید کمتر از ۲/۱ باشد. حد متوسط سن در



دوران جنگ داخلی یعنی حصه، ویا، دیفتری... رایج شده است. معلمان می گویند: «یک مدرسه که آلوده به شپش نباشد پیدا نمی کنید» و این در حالی است که بهداشتی و در درجه اول سیستم منظم پیشگیری بیماری ها و خدمات بهداشتی ویران می شود.

زیوگائف آنچه را که در کشورش انجام می شود حتی به سرمایه داری اولیه و ابتدایی شبیه نمی بیند و به آن نام هایی از قبیل دزدمداری، غارت و غیر انسانی کردن همه چیز می دهد.

سخنران، رژیم حاکم بر کشور را «رژیم حکومت فردی غاصب متکی بر سرنیزه، آنها نه چندان بر سرنیزه ارتش که بیشتر بر سرنیزه نیروهای سرکوبگر ویژه سازمان یافته برای این امر»، می شناسد.

سیس زیوگائف به مبارزه و فعالیت کمونیست ها اشاره می کند و نوع فعالیت فداکارانه رفقای حزبی را که اغلب در شرایط دشوار و پر مضیقه از لحاظ جا و امکانات تشکیلاتی به انجام وظایف شهروندی و میهن دوستانه خود مشغولند اشاره می کند و می گوید: «این حزب واقعی خلقی، حزب انسان های شریف است که نه بخاطر مقام و موقعیت بلکه به فرمان دل به آن رو می آورند».

زیوگائف تصمیم حزب را برای شرکت در انتخابات مجلس قانون گذاری مفید و لازم معرفی کرد که امکان تاثیر گذاری حزب بر قانونگذاری کشور را فراهم ساخت و استفاده از آن را به مثابه تریبون و آموزشگاهی در فراگیری تجربه کشورداری دانست و اضافه کرد: «بدون چنین آموزشگاهی همه گفتگو ها درباره دستیابی به حکومت،

روسیه به ۶۵ سال رسیده است که ۱۵-۱۰ سال کمتر از کشورهای پیشرفته است. حداقل حقوق بازنشستگی در پایان سال گذشته می توانست نیمی از حداقل هزینه زندگی را تامین کند... قیمت ها اضافه می شود، به استثنای ودکا که نسبت به نان ۸ برابر کمتر شده است... سلامت مردم لطمه دیده است به شکل فاجعه آمیز بیماری ها اضافه می شود و بیش از همه بیماری های مادر زادی به چشم می خورد. تنها ۱۴٪ کودکان تندرست هستند. همه آنچه که مردم اتحاد شوروی و از جمله روسیه داشتند از قبیل حق تضمین شده به کار، آموزش و بهداشت رایگان؛ دفاع از حقوق مادر و فرزند و بسیاری چیزهای دیگر قربانی ثروت اندوزی مشتکی کمیرادور گشته است... سپس کنایه زیوگائف از حمله همه جانبه بر شیوه زندگی، همکاری، رفاقت، کمک متقابل و کلکتیویزم مردم یاد کرد و از جمله گفت: «هزینه ایاب و ذهاب بطرزی باور نکردنی رشد کرده است. بطوریکه مردم نمی توانند حتی در مراسم سوگواری خویشاوندان خود شرکت کنند. بازار جنایت بشدت گرم است. هیچ کس خود را در امنیت احساس نمی کند و با درهای آهنی خود را از دنیای بیرون جدا می کند...». کنایه زیوگائف با برشمردن مشکلات عظیم اجتماعی، حقوقی، ژئوپولیتیک، تکنولوژیک، خوار و بار و بیولوژیک معتقد است که: «عملا تمام ساحه های مهم حیاتی اجتماعی توازن خود را از دست داده است و خطر فروپاشی و اضمحلال آن ها پیش رو است». از مشکلات نامبرده در بالا، زیوگائف بنام مین یاد می کند و از جمله درباره مشکلات بیولوژیک می گوید: «امروز همه بیماری های

ادامه در ص ۷

NAMEH MARDOM: No:448
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

28 February 1995

Address : Postfach 100644 ,
10566 Berlin, Germany

شماره فاکس ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

نامه

مردم